

بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه^۱

سید اسدالله اطهری*

علی عنایتی شبکلائی**

سید محمدمین حسینی***

چکیده

این مقاله درصدد است تا دیپلماسی عمومی ترکیه و ایران را در عراق و سوریه پس از دگرگونی‌های این کشورها بررسی کند. ایران و ترکیه، به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار بر تحولات خاورمیانه، می‌کوشند طبق ماهیت دولت‌ها، اهداف و خط‌مشی‌های خود، دیپلماسی عمومی‌شان را در عراق و سوریه پیش برند. پرسش اصلی مقاله این است که دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه چگونه است؟ تحولات جدید در این کشورها چه تأثیری بر دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که دو کشور در رقابت منطقه‌ای خود از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در کنار قدرت سخت خود استفاده می‌کنند تا بتوانند نفوذ و هژمونی منطقه‌ای خود را تثبیت و تقویت کنند. دو کشور فرصت‌ها و امکانات مناسب و متفاوتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در عراق و سوریه دارند. اما موفقیت نسبی ایران و ترکیه به استراتژی دو کشور بستگی دارد و این موفقیت‌ها و ناکامی‌ها همیشه و در همه زمینه‌ها نیست. در این مقاله، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکیه، عراق، سوریه، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش «سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و ایران در برابر تحولات کشورهای عربی ۲۰۱۳-۲۰۱۱» است که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران کشور در حال اجرا است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

Email: athary.asadolah@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد علوم و تحقیقات گروه علوم سیاسی تهران و پژوهشگر

Email: a.enayati@irib.ir

مرکز تحقیقات صدا و سیما

Email: smhoseini@rihu.ac.ir

*** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد آشتیان

مقدمه

رویدادهای بنیادینی در سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته است. مسائل عراق، بحران و درگیری‌ها در سوریه و تحولات کشورهای عربی، روابط بازیگران منطقه‌ای را دگرگون کرد. علاوه بر این، برخی از رویدادها، روندها و مسائل سیاسی، فرهنگی و ارتباطی در سطح بین‌المللی ماهیت پدیده‌ها، فرآیندها و خط‌مشی‌ها را نیز تغییر داده است. اهمیت یافتن و افزایش بیش از پیش قدرت نرم در برابر قدرت سخت، سیاست اندیشه در مقابل سیاست قدرت و نقش بازیگران غیردولتی در برابر بازیگران دولتی، از جمله این رویدادها و روندها است. این وضعیت، به دیپلماسی عمومی، جایگاه و نقش بیشتری در کنار دیپلماسی رسمی داده است.

دیپلماسی عمومی، تلاش دولت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در خارج از کشور و بهبود تصویر خود نزد مردم جهان است. هدف اصلی در دیپلماسی عمومی تلاش برای ایجاد ذهنیت یا تصویری مناسب از کشور است. این امر از راه ایجاد جذابیت یا همان قدرت نرم ممکن می‌شود. قدرت نرم، به معنای توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران از راه جذابیت است. منابع تولیدکننده قدرت نرم، ارزش‌های موجود در فرهنگ، عملکرد و سیاست‌های داخلی کشورها است. با دیپلماسی عمومی، این منابع قدرت در خدمت استراتژی و دیپلماسی رسمی کشور قرار می‌گیرد تا از آن نیز برای دستیابی به اهداف و منافع ملی بهره برد.

با وجود تفاوت ماهوی دیپلماسی عمومی با دیپلماسی رسمی، متولی اصلی دیپلماسی عمومی هم دولت است. علاوه بر این، در دیپلماسی عمومی از رسانه‌ها، نهادهای علمی و آموزشی، گردشگری و سازمان‌های مردم‌نهاد برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده می‌شود. تلاش همه اینها، شکل‌دهی افکار عمومی و تأثیرگذاری بر سیاستمداران در خارج از کشور است. همچنین تعامل گروه‌ها و سازمان‌های خصوصی کشورها و فرآیندهای ارتباطات میان فرهنگی، از جمله متغیرهای دیپلماسی عمومی است.

ایران و ترکیه، به عنوان دو کشور با قدرت ملی بزرگ و برتر میان کشورهای اسلامی تلاش زیادی به کار می‌برند تا با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم، بیشتر و با هزینه کمتر به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه دست یابند. ایران تقریباً از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه پایان جنگ با عراق، تلاش بیشتری برای به‌کارگیری قدرت نرم و استفاده از دیپلماسی عمومی را در منطقه آغاز کرد. این روند با شدت و ضعف‌هایی در دو دهه اخیر ادامه یافت. تأکید ایران بر عراق، سوریه، لبنان و مسئله فلسطین بود. به این دلیل که دیپلماسی رسمی ایران هم بر این مناطق توجه ویژه داشت و متغیرهای قدرت سخت این کشور هم بر کشورهای محور مقاومت در برابر محور اسرائیلی-آمریکایی تمرکز داشت. برخلاف ایران، ترکیه بیشتر بر

نقش میانجی و موازنه‌دهنده در سطح منطقه تأکید داشت. ترکیه از گذشته به عنوان کشوری با قدرت سخت در منطقه شناخته می‌شد. دلیل این امر نیز توان نظامی و در کنار آن قدرت اقتصادی این کشور بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، به‌ویژه از زمان به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، قدرت نرم این کشور در کنار قدرت سخت جدی‌تر دنبال شد. این کشور می‌کوشد تا هم‌زمان با برخی از اصلاحات سیاسی و اقتصادی در داخل، اعتبار خود را در منطقه افزایش دهد. ترک‌ها در دهه گذشته ابتدا کوشیدند منازعات منطقه‌ای را مدیریت کنند. نقش ترکیه در منازعه اسرائیل-سوریه و اسرائیل با فلسطین و لبنان را می‌توان به عنوان مثال‌هایی در این‌باره مورد مطرح کرد. سپس آنکارا به مداخله و هژمونی منطقه‌ای رو آورد.

دگرگونی‌های جدید در منطقه خاورمیانه، موقعیت‌های نوین برای ترکیه و ایران مطرح کرد. هر دو کشور کوشیدند از سقوط صدام و روی کار آمدن دولت جدید در عراق به نفع خود بهره ببرند. کم و بیش ترکیه و ایران فرصت‌های بهتری در عراق جدید به‌دست آورده‌اند و کوشیدند از ابزارهای گوناگون و مؤلفه‌های مختلف برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرند. بخش زیادی از این عوامل، به فاکتورهای قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی مربوط می‌شود. مواضع ایران و ترکیه درباره تحولات سوریه و عراق کاملاً متفاوت بود. به‌گونه‌ای که ایران و ترکیه به صورت نیابتی درگیر دگرگونی‌های سوریه و درگیری‌های عراق شده‌اند. ترک‌ها از معارضان مسلح حمایت می‌کردند و در مقابل ایران از دولت‌های بغداد و دمشق پشتیبانی می‌کرد. بر این اساس، شدیدترین رقابت سخت و نرم ایران و ترکیه در خاورمیانه در سوریه و عراق مشاهده می‌شود. دو طرف به نوعی همه ابزارهای سخت و نرم قدرت دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی خود را در حمایت یکی از بازیگران درگیر و مخالفت با بازیگر مقابل به‌کار برده‌اند. نگارندگان در این مقاله می‌کوشند تا ماهیت دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه و کارکرد این نوع دیپلماسی دو کشور را در عراق و سوریه به‌گونه‌ای تطبیقی بررسی کنند. ماهیت مقاله کیفی، روش آن تطبیقی (مقایسه‌ای)، رویکرد آن، تحلیلی و ابزارهای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، اسنادی است.

چارچوب مفهومی دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی، درک توده‌های مردم کشور مخاطب، دادن پیام برای آنان، فعالیت به منظور تأثیرگذاری بر آنها و توسعه گفتگو میان شهروندان و نهادهای کشور، از یک سو و نهادهای کشور مخاطب، از سوی دیگر است (والف و روسن،^۱ ۲۰۰۴). دیپلماسی عمومی، فرآیندی است که به وسیله آن ارتباطات مستقیم کشوری با مردم کشور دیگر برای پیش بردن منافع و ارزش‌های خود

1. wolf and Rosen

دنبال می‌شود (ملیسن، ۲۰۰۷، ص ۴۱). این فرایند توسط دولت، مردم و نخبگان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و عقاید نخبگان ملتی دیگر، به منظور تعیین یا تغییر سیاست آن کشور و برای دستیابی به منافع و اهداف خود پی‌گیری می‌شود. دیپلماسی عمومی، راهبردی ارتباطی و هدفمند برای ساخت تصویری مثبت از کشوری نزد افکار عمومی خارجی از راه به‌کار گرفتن ابزارهای مختلف ارتباطی و رسانه‌ای میسر است (همان، ص ۱۸). بر این اساس، منظور از دیپلماسی عمومی، جریانی است که حکومت‌ها از رهگذر آن، حکومت کشور دیگر را دور می‌زنند و فرآیندهای سیاسی و جامعه مدنی آن کشور را هدف قرار می‌دهند (هیل، ۱۳۸۷، ص ۳۷۶). در واقع، دیپلماسی عمومی، مفهومی نوین است که کشورها با اشاعه و ترویج ایدئولوژی، ارزش‌ها و هنجارهای خود در صدد صدور پیام و فرهنگ و کسب برتری هستند.

ابزارهای اصلی دیپلماسی عمومی عبارت است از: انتشارات، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی و رادیو و تلویزیون (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸، ص ۴۸). اکنون به کمک فناوری‌های نو در ارتباطات و اطلاعات، زمینه مناسب برای ارتباط با افکار عمومی فراملی و اقناع و تأثیرگذاری بر آنها به وسیله رسانه‌های جهانی فراهم است (نوابخش، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱). این موارد نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی متفاوت است. برای درک بهتر دیپلماسی عمومی و تفاوت آن با دیپلماسی سنتی، به مقایسه آن مطابق جدول ۱ می‌پردازیم.

جدول ۱: مقایسه دیپلماسی عمومی (نوین) و دیپلماسی رسمی (سنتی)

دیپلماسی نوین - عمومی	دیپلماسی سنتی - رسمی
عمدتاً شفاف و باز است	معمولاً سر بسته و مخفیانه است
دست کم یک طرف رابطه بازیگران غیررسمی و غیردولتی است	عموماً رابطه و تعامل دولت با دولت است
موضوعات مربوط به گرایش‌ها و رفتارها در حیطه امور عمومی را در بر می‌گیرد	موضوعات مربوط به رفتارها و سیاست دولت‌ها را شامل می‌شود
افکار عمومی، بازیگران اصلی هستند	دولت‌ها، بازیگران اصلی هستند
امکان حصول نتیجه در بلندمدت بیشتر است	امکان حصول نتیجه در کوتاه مدت محتمل‌تر است
معمولاً هزینه کمتر و تأثیر بیشتر است	عموماً هزینه بیشتر و تأثیر کمتر است
تعامل بیشتر میان دولت‌ها با ملت‌ها است	تعامل بیشتر میان دولت با دولت است
بیشتر تغییر نگرش‌ها و افکار عمومی خارجی مد نظر است	بیشتر تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رفتار دولت‌ها مورد توجه است
نتایج زمانی برای میان مدت یا بلندمدت نتیجه می‌دهد	نتایج در کوتاه‌مدت به دست می‌آید
اثرات ماندگارتر است	اثرات ممکن است زود تغییر کند
نهادهای مدنی و حتی افراد تأثیرگذارند	دولت‌های بزرگ و قوی‌تر موفق‌ترند
بیشتر با قدرت نرم پیوند دارد	بیشتر با قدرت سخت در ارتباط است

منبع: (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸، ص ۴۹؛ هنریکسون، ۲۰۰۶^۱؛ ملیسن، ۲۰۰۷^۲؛ اسنو، ۲۰۰۹^۳؛ ص ۶؛ داداندیش واحدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰).

1. Melissen

2. Henrikson

3. Melissen

4. Snow

اکنون دیپلماسی عمومی نیز دگرگون شده است؛ به گونه‌ای که پژوهش‌گران از دیپلماسی عمومی قدیمی و جدید سخن می‌گویند (رک. جدول شماره ۲).

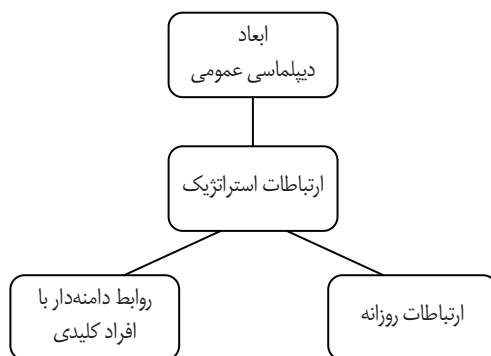
جدول ۲: دیپلماسی عمومی قدیمی و جدید

ویژگی‌ها	دیپلماسی عمومی قدیمی	دیپلماسی عمومی جدید
هویت بازیگر بین‌المللی	دولتی	دولتی و غیر دولتی
محیط فناورانه	رادیو موج کوتاه، روزنامه‌های چاپی، تلفن‌های سیمی	ماهواره، اینترنت، اخبار زنده تلفن‌های همراه
محیط رسانه‌ای	خطوط مشخص میان بخش خبری داخلی و بین‌المللی	کمرنگ شدن خطوط میان بخش خبری داخلی و بین‌المللی
منبع رویکرد	رشد حمایت سیاسی و تئوری پروپاگاندا	رشد برندینگ شرکتی و تئوری شبکه
مجموعه واژگان	تصویر بین‌المللی، اعتبار	قدرت نرم، برندینگ ملی
ساختار نقش	از بالا به پایین، از بازیگر به مردم کشور خارجی	افقی، تسهیل شده توسط بازیگر
ماهیت نقش	پیام‌رسانی هدف‌گذاری شده	ارتباط‌سازی
هدف کلی	مدیریت فضای بین‌المللی	مدیریت فضای بین‌المللی

منبع: (کال، ۲۰۰۹؛ آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶؛ سجادیپور و وحیدی، ۱۳۹۰؛ هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲، ص ۴۷-۵۰).

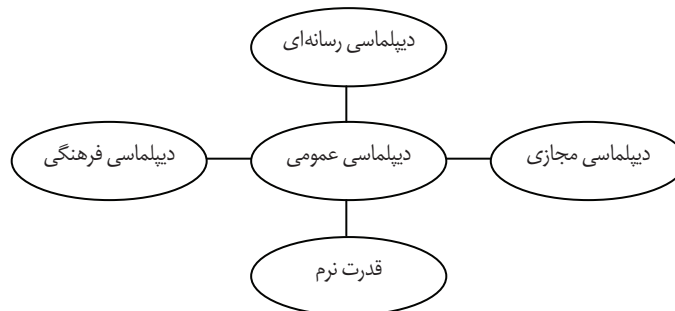
دیپلماسی عمومی سه بعد دارد (رک. نمودار ۱):

۱. ارتباطات روزانه (مدیریت ارتباطات در زمینه موضوعات روز و مدیریت اخبار دولت در رسانه‌های خارجی) (نیک آئین، ۱۳۸۸، ص ۳۸۲).
۲. ارتباطات استراتژیک (برنامه‌ریزی رویدادها و ارتباطات نمادین به منظور مشخص کردن موضوعات اساسی یا پیشبرد سیاست دولت).
۳. گسترش روابط دامنه‌دار با افراد کلیدی (از راه اعطای بورسیه، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و دسترسی به کانال‌های ارتباطی).



نمودار ۱: ابعاد دیپلماسی عمومی

برای اینکه دقیق‌تر درک کنیم که تفاوت دیپلماسی عمومی با مفاهیم و موضوعات مشابه دیگر چیست، این پرسش مطرح می‌شود که دیپلماسی عمومی چه نیست؟ در پاسخ باید گفت که دیپلماسی عمومی، جنگ روانی نیست؛ دیپلماسی عمومی، تبلیغات نیست و دیپلماسی عمومی، فعالیت فرهنگی و حتی دیپلماسی فرهنگی نیست (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). با این حال، دیپلماسی عمومی با گونه‌های نوین دیپلماسی پیوند دارد (رک. نمودار ۲).



نمودار ۲: ارتباط دیپلماسی عمومی با انواع دیپلماسی و قدرت نرم

دیپلماسی عمومی ایران

ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ایران

عوامل بسیاری شکل‌دهنده یا تقویت‌کننده دیپلماسی عمومی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و برگزیدن استراتژی‌ها و سیاست‌های پذیرفته شده، برطرف کردن ذهنیت‌های تاریخی منفی، دستیابی به جایگاه علمی پیشرفته و فناوری‌های تکنولوژیکی، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر، قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی (نای، ۱۳۸۲، ص ۴۵). ایران بالقوه بسیاری از ابزارهای یادشده را در اختیار دارد. از جمله مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه عبارت است از: مشترک‌های فرهنگی، تاریخی و دینی؛ قرابت و نزدیکی جغرافیایی؛ حضور ایرانیان و شیعیان؛ ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی ایران؛ توسعه تجارت فرهنگی؛ اولویت یافتن توسعه فرهنگی در این کشورها (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳-۱۵۵).

همچنین ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از کشور در داخل و تقویت این باور در میان مردم کشوری دیگر، در ایجاد وجهه بین‌المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی

تأثیر دارد. مؤلفه‌هایی مانند کارآمدی دیپلماسی، میزان تعامل مثبت با سازمان‌های بین‌المللی، شیوه برخورد با موضوعات مهم جهانی، حجم ارتباطات دیپلماتیک، عکس‌العمل مناسب در برابر مسائل تضعیف‌کننده داخلی و خارجی و همچنین حجم میزبانی سازمان‌های بین‌المللی و برگزاری کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها می‌تواند شاخص‌های مناسبی در ارزیابی میزان موفقیت یا ناکامی مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب آید (ذوالفقاری، ۱۳۹۲). ایران می‌تواند با ارتقای نهادهای جامعه مدنی در درون تقویت شده، جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی را در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت کند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷) (رک. جدول ۳).

جدول ۳: ظرفیت‌ها و منابع دیپلماسی عمومی ایران

گونه‌ها	منابع و فرصت‌ها	راهبرد	دستاوردها
دیپلماسی فرهنگی (دیپلماسی عمومی نخبگانی)	فرهنگ و ارزش‌های اسلامی	آموزشی	گسترش روابط در حوزه تمدنی
	زبان فارسی و فرهنگ ایرانی		افزایش عمق راهبردی ایران
مردم‌سالاری دینی	حفظ ثبات منطقه‌ای		
دیپلماسی رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی همگانی)	پیشرفت‌های علمی	رسانه‌ای	گسترش محور مقاومت
	خودکفایی اقتصادی		جلوگیری از مداخلات فرا منطقه‌ای
	ایده‌پردازی گفتمان‌سازی		افزایش هم‌بستگی جوامع اسلامی

منبع: با تغییرها و اصلاحاتی از: (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰).

فرصت‌های دیپلماسی ایران در عراق و سوریه

ایران در عراق و سوریه، برخی از فرصت‌های مشترک و برخی از فرصت‌های متمایز دارد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶). این فرصت‌ها زمینه مناسبی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی ایران فراهم می‌کنند. در ادامه، به برخی از آنها در دو کشور عراق و سوریه اشاره می‌شود.

فرصت‌های ایران در عراق

ایران و عراق دو کشور همسایه هستند که با وجود مشترک‌های فرهنگی و تاریخی در دهه‌های گذشته، مشکلات سیاسی و اختلاف‌های مرزی داشته‌اند. این وضع پس از سرنگونی رژیم بعثی در عراق تغییر یافت. این امر موقعیت مناسبی برای دو کشور فراهم کرد تا از زمینه‌های مساعد برای گسترش روابط و افزایش همکاری‌ها استفاده کنند. بر این اساس، ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی خود در عراق، فرصت‌های زیادی دارد (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶) که برخی از آنها عبارت است از:

۱. اکثریت شیعه در عراق؛

۲. پیشینه روابط تاریخی، فرهنگی و تمدنی با کردها؛

۳. وجود ۱۶ درصد فارس زبان و ایرانی الاصل؛
۴. وجود عتبات عالیات و حوزه علمیه نجف؛
۵. کمک‌های ایران به عراق از زمان سقوط صدام؛
۶. تلاش ایران در بازسازی عراق؛
۷. هم‌بستگی با مردم عراق در برابر جنایت‌های صدام، سپس حمله‌های آمریکا و اقدام‌های تروریستی داعش؛
۸. پناهندگی مهاجران عراقی در زمان صدام به ایران و وجود تعداد زیادی از اتباع عراقی در ایران.

فرصت‌های ایران در سوریه

فرصت‌های ایران در سوریه با عراق متفاوت است. پیشینه روابط نزدیک تهران-دمشق به پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری سوریه با ایران در جنگ تحمیلی و کمک ایران به سوریه‌ها در سال‌های پس از جنگ، به‌ویژه در بحران و درگیری‌های سال‌های اخیر در سوریه است. این امر، فرصت‌های مناسبی برای ایران در جهت پیشبرد دیپلماسی عمومی در سوریه فراهم کرده است. برخی از این فرصت‌ها عبارت است از:

۱. حمایت از محور مقاومت؛
۲. سرمایه‌گذاری ایران در سوریه و احداث نیروگاه در این کشور؛
۳. سفر زائران ایرانی به سوریه؛
۴. روابط دوجانبه فرهنگی در زمینه علمی-دانشگاهی و برگزاری هفته‌های فرهنگی؛
۵. حضور علویان و شیعیان در سوریه.

چالش‌ها و موانع دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه

در کنار فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب و مساعد فرهنگی، محدودیت‌ها و چالش‌های درونی و بیرونی متعدد نیز برای ایران وجود دارد که اعمال و اجرای دیپلماسی عمومی در این منطقه را با چالش روبه‌رو می‌کند. این موانع عبارت است از:

۱. ضعف در رویکرد: کم‌توجهی به رویکرد بلندمدت و توجه کافی نداشتن به هویت‌سازی و انگاره‌سازی موجب شده تا کاربرد و کارآمدی دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه نسبت به دیپلماسی رسمی کمتر باشد.

۲. مشکلات در به‌کارگیری ابزارها: ایران با وجود داشتن ابزارهای جدید، به‌ویژه هنر و سینما، از آنها در عراق و سوریه کمتر بهره می‌برد (کشاوری شگری، بیات و درخشنده، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

۳. بی‌اعتمادی برخی از مذاهب و گروه‌ها به ایران: بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل ایران و اعراب، پیشینه تاریخی دیرینه دارد (کاراوان، ۲۰۰۲^۱؛ الشایجی، ۲۰۰۲^۲). اما در عراق و سوریه این بی‌اعتمادی به برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سنی و مخالف دولت محدود می‌شود. اگرچه راهبرد مناسب ایران در درگیری‌های داخلی دو کشور، به کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کرد؛ ولی آن را از بین نبرد.

۴. ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی شدن فرهنگ ایران: به دلیل دگرگونی‌های عراق، سوریه، لبنان و یمن، فرهنگ و هویت ایرانی و شیعی، سیاسی و امنیتی نشان داده شده است. در این باره، رسانه‌های عربی و غربی نقش فعال و مؤثری دارند. این تصور و برداشت، خود نوعی ایران‌هراسی را برمی‌انگیزد که برساخت و ذهنیت‌سازی رسانه‌ای است (نصر، ۲۰۰۶).

۵. ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم: رقبای منطقه‌ای ایران برای مقابله با جمهوری اسلامی، درصدد احیای ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و سلفی‌گری برآمده‌اند. آنان دگرگونی‌های عراق و سوریه، و نفوذ ایران در لبنان و یمن را نیز نشانه دخالت در امور داخلی اعراب محسوب می‌کنند. از این‌رو، تقویت ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم را سازوکار و راهکاری برای مقابله با نفوذ و قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران قلمداد می‌کنند (اون، ۲۰۰۴^۳).

۶. وهابیت و سلفی‌گری: سلفی‌گری افراطی و وهابیت سیاسی شده، ایدئولوژی مذهبی مقابله با فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی را برمی‌انگیزد. با قدرت‌یابی شیعیان از سوی دیگر، مجدداً فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های وهابی در منطقه فزونی گرفته است.

۷. قدرت نرم و دیپلماسی عمومی آمریکا: آمریکا برای مقابله با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و انقلاب اسلامی، از دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای و فرهنگی) و قدرت نرم خود در منطقه و به‌ویژه عراق علیه دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای ایران استفاده می‌کند (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲؛ عطایی، قادری‌کنگاوری و ابراهیمی، ۱۳۹۰).

1. Karawan

2. Alshayji

3. Owen

دیپلماسی عمومی ترکیه

بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، شاهد سیاست خارجی فعال ترکیه در منطقه خاورمیانه بوده ایم. به نظر می‌رسد که علاوه بر فعال تر شدن سازوکارها و نهادهای مربوط به دیپلماسی رسمی، احیای روابط تاریخی و فرهنگی میان ترکیه و کشورهای خاورمیانه با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی محور این تحرک قرار گرفته است. هدف دیپلماسی عمومی ترکیه اجرای فعالیت‌هایی است که این فرصت را برای این کشور فراهم می‌کند تا از قدرت نرم خود استفاده کرده و ارزش‌های استراتژیک خود را افزایش دهد.

در ترکیه، سازمان‌های دولتی و خصوصی بسیاری وجود دارد که فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی عمومی را انجام می‌دهند، از جمله وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و گردشگری، آژانس همکاری بین‌المللی و توسعه ترکیه،^۱ سازمان هلال احمر، دفتر اطلاعات و مطبوعات، تلویزیون ملی و آژانس دیپلماسی عمومی (جعفری و آبری، ۱۳۹۱).

آژانس دیپلماسی عمومی ترکیه که از سال ۲۰۰۸ آغاز به کار کرده است، از طیف گسترده‌ای از ابزارها شامل سمینارها، نشریات، برنامه‌های تلویزیونی، تولید فیلم و اندیشکده‌ها برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. این آژانس به عنوان شبکه ارتباطی میان سازمان‌های غیر دولتی، اندیشکده‌ها و دولت خدمت می‌کند.

در سال ۲۰۰۹، نیز وزارت امور خارجه ترکیه معاونت دیپلماسی عمومی و ارتباطات را به چارت سازمانی خود افزود که این اقدام آنکارا بر نگاه ویژه دولتمردان به این حوزه جدید دلالت دارد. در ابتدای سال ۲۰۱۰ نیز در راستای بهره‌گیری از ابزارهای روابط عمومی، وزارت امور خارجه برای سایت‌های شبکه اجتماعی از قبیل فیس‌بوک و توییتر اهمیت خاصی قائل شد و چند ماه بعد، مدیریت دیپلماسی عمومی در نهاد نخست‌وزیری دایر شد (کالین، ۲۰۱۱، ص ۱۸-۲۰).

تولیدات تلویزیونی، به‌ویژه سریال‌های تلویزیونی ترک، از جمله ابزارهای دیپلماسی عمومی ترکیه است که بر طراحی و پخش پیام برای حل مشکلات ارتباطی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و عقاید نخبگان منطقه‌ای با هدف پیشبرد اهداف سیاسی کشور تأثیرگذار و نیز بهبود چهره این کشور نزد کشورهای منطقه استفاده شده است. اهمیت این ابزار از چشم سیاست‌گذاران سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه دور نبوده است و در سال‌های اخیر شاهد گسترش کمی و کیفی ساخت و نفوذ این سریال‌ها در مناطق گوناگون هستیم. آمارها نیز نشانگر موفقیت این بخش بوده است. فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی ترکیه نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد تصویری مثبت از ترکیه در جهان عرب

1. TIKKA

2. Kalin

بر عهده داشته‌اند (دستمالی، ۱۳۹۳). یکی از محبوب‌ترین سریال‌های ترک، مجموعه تلویزیونی «نور» بوده است. این سریال، ۸۵ میلیون نفر از بینندگان عرب بالای ۱۵ سال را جذب کرد که نزدیک به ۵۰ میلیون نفر آنان زن بودند. رقمی که معادل بیش از نیمی از تماشاگران زن بزرگسال هر درام تلویزیونی دیگر در جهان عرب تا کنون بوده است. همچنین سریال «سال‌های از دست رفته» با رسیدن به آمار ۶۷ میلیون بیننده که ۳۹ میلیون نفر آنها از زنان بودند، عنوان دومین سریال پرفروش جهان عرب را به خود اختصاص داد. این مسئله ثابت شده که یک سریال ساده تلویزیونی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تغییر مؤثر اجتماعی و ربودن قلب‌ها و افکار میلیون‌ها نفر در منطقه به کار گرفته شود (آناس، ۲۰۱۰^۱، ص ۲۵۳-۲۵۴).

ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ترکیه

توانایی قدرت نرم ترکیه در اثر پیوند تاریخ، جغرافیا، عمق فرهنگی، قدرت اقتصادی و دموکراسی در ترکیه، تبیین و جایگاهش در سیاست خارجی ترکیه برجسته می‌شود. دیپلماسی عمومی که سکویی برای به‌کارگیری قدرت نرم است، در ترکیه مفهوم جدیدی است که به‌صورت عامل شتاب‌دهنده‌ای برای قدرت نرم دستگاه سیاست خارجی عمل می‌کند. به این ترتیب، دیپلماسی عمومی ترکیه در دو قالب مهم دولت به مردم و مردم به مردم اجرا می‌شود. فعالیت‌های دولت به مردم، به دنبال تبیین سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت از راه به‌کارگیری ابزار رسمی و کانال‌های عمومی است. در فعالیت‌های مردم به مردم، عوامل مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی، مراکز تحقیقاتی نظرسنجی عمومی، رسانه‌ها، رهبران احزاب، دانشگاه‌ها، برنامه‌های تبادلی و مجامع و بنیادها به کار گرفته می‌شوند (دهقانی، ۱۳۹۱، ص ۲۰-۲۹). در این وضعیت، دیپلماسی عمومی ورای ارتباطات رسمی میان مقامات، دیپلمات‌ها و جوامع خارجی قرار می‌گیرد و در همان حال، روش‌های متفاوتی را نیز برای کشورهای گوناگون در سراسر جهان به کار می‌گیرد و موقعیت‌ها، سیاست‌ها و موضوعات خود را برای جوامع ملی و بین‌المللی به شیوه‌های گوناگون بیان می‌کند. چنین تفاوت‌هایی از نظر ترکیه به علت سیاست‌هایی است که هر کشور دنبال می‌کند و از طرفی، به دلیل میراث تاریخی و فرهنگی‌ای است که بر دولت‌ها حاکم است. به همین سبب، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی آنکارا از نظر اولویت و شرایط فرهنگی-اجتماعی کشورها، متفاوت است. در ادامه به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه به عنوان منابع پرداخته می‌شود (رک. جدول شماره ۴).

1. Anas

جدول ۴: مؤلفه‌های مهم قدرت نرم ترکیه

فرهنگی و هنری	صنایع دستی، آثار ادبی، موسیقی و زبان ترکی
رسانه‌ای	داشتن شبکه‌های متعدد تلویزیونی، آژانس‌های خبری و روزنامه‌هایی با سابقه و تیراژ بالا
علمی	وجود دانشگاه‌های متعدد جذب دانشجویان از آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان، خاورمیانه و شمال آفریقا
ورزش	فوتبال، کشتی و وزنه‌برداری
توریسم	صنعت گردشگری و جذب توریسم با وجود مکان‌های تاریخی و طبیعی گردشگری
اقتصادی	رشد اقتصادی مناسب در سال‌های اخیر و گسترش تجارت با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
سیاسی	تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، تلاش برای اصلاح وضعیت سیاسی داخلی، شرکت در فعالیت بشردوستانه، گسترش مناسبات و مبادلات فرهنگی

منبع: (پالیزدار، ۱۳۹۱؛ التونسیک، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳-۱۷۴).

دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه

دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه بیشتر از آنکه مکمل دیپلماسی رسمی و سیاست خارجی این کشور باشد؛ به گونه‌ای تابع آنها است، زیرا در سال‌های اخیر سیاست تنش‌زا و خشونت‌آمیز ترکیه در برابر دو همسایه جنوبی خود، به نوعی راه دیپلماسی را بسته و نقش دیپلماسی عمومی را کم‌رنگ ساخته است. با این حال، دیپلماسی عمومی ترک‌ها در عراق و سوریه در چارچوب دیپلماسی عمومی کلان و به‌ویژه دیپلماسی عمومی خاورمیانه‌ای ترکیه دنبال می‌شود. به کارگیری منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم و نیز روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و پی‌گیری اهداف سیاست خارجی، چارچوب دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه را شکل می‌دهند. علاوه بر اهداف راهبردی و منافع کلان، ترکیه نسبت به روند دگرگونی‌های عراق و سوریه توجه و حساسیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این دو کشور علاوه بر داشتن مرز مشترک طولانی با ترک‌ها، از کشورهای بزرگ و تأثیرگذار عرب است. همچنین عراق و سوریه، دروازه‌های ورود ترکیه به خاورمیانه و کشورهای عربی است. البته اختلاف‌های مرزی و سرزمینی، مشکلات تاریخی و تفاوت‌های قومی و مذهبی سبب شده تا دیپلماسی سخت و تعارض بر روابط ترک‌ها با همسایگان جنوبی، بیشتر از دیپلماسی عمومی مد نظر باشد. با این همه، از نظر ترک‌ها، مؤلفه‌هایی در ارتباط با عراق و سوریه وجود دارد که ترکیه را ناگزیر به استفاده از دیپلماسی عمومی برای پیشبرد اهداف و منافع کلان و بلندمدت خود در این دو کشور می‌کند.

ترکیه در سال‌های اخیر با برگزیدن سیاست ترکی‌سازی مناطق هم‌مرز در شمال عراق از رهگذر حمایت از اقلیت ترکمن تلاش دارد تا پنجره‌هایی به داخل عراق، برای نظارت و تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی آن منطقه بگشاید (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷).

مؤلفه‌های اصلی توجه ترکیه به عراق عبارت است از:

۱. وجود ذخایر نفتی در شمال عراق؛
۲. وجود مناطق کردنشین در دو سوی مرزهای این کشورها؛
۳. حضور اقلیت ترکمن در شمال عراق.

عوامل تضعیف‌کننده دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه

رویکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه از همان ابتدا با انتقادات و مخالفت‌های احزاب مخالف و گروه‌های مدنی و اجتماعی روبه‌رو بوده است. برگزیدن مواضع متناقض دولتمردان حزب عدالت و توسعه سبب بروز انتقادهای گسترده‌ای در داخل این کشور شده است. احزاب مخالف و گروه‌هایی از مردم، حزب حاکم عدالت و توسعه، فضا را برای افزایش انتقادات نسبت به سیاست خارجی این حزب در عراق و سوریه مناسب یافتند، با طرح این استدلال که سیاست‌های دولت ترکیه باعث به خطر افتادن اعتبار، منافع و امنیت کشور شده است.

مهم‌ترین چالش دولت ترکیه در عرصه خارجی را باید برگزیدن مواضع حمایت‌گرایانه در برابر گروه‌ها و اقدام‌های تروریستی در عراق و سوریه دانست. حمایت دولت مردان ترکیه از تروریست‌ها سبب بروز شک و تردیدهای جدی در افکار عمومی و نخبگان منطقه در برابر ماهیت واقعی اهداف سیاست خارجی ترکیه پدید آورده است. علاوه بر کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه، برگزیدن مواضع متناقض آنکارا سبب رنجش متحدان غربی ترکیه، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، نیز شد. این مشکل از زمانی آغاز شد که ترکیه بر سر دوراهی همکاری با تروریست‌ها و همراهی با ائتلاف ضد داعش قرار گرفت. از سویی، ترکیه ناگزیر از حمایت از عملیات نظامی ائتلاف علیه گروه‌های تروریستی داعش و النصره شد و از سوی دیگر به دنبال بسترسازی برای سقوط دولت‌های عراق و سوریه با حمایت از تروریست‌ها بود. بسیاری معتقدند که ترکیه به دلیل منافع اقتصادی، ژئوپلیتیک و سیاسی در عراق و سوریه برای بسط نفوذ سیاسی خود در این دو کشور، به شکل اعلام نشده‌ای در روند کار ائتلاف علیه تروریست‌ها کارشکنی می‌کند. به نظر می‌رسد که رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، به‌گونه‌ای است که در مقاطع گوناگون، در اثر تعارض اهداف و منافع این کشور با متحدان غربی، سبب بروز چالش‌هایی بین دو طرف شده است.

علاوه بر این، برخی از سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه چالش‌ها و موانعی در مسیر دیپلماسی عمومی این کشور در عراق و سوریه ایجاد می‌کند. این امر هم به اعتبار ترک‌ها در داخل و خارج آسیب می‌رساند و هم به اهداف و منافع آنها در عراق و سوریه ضربه می‌زند. و به‌گونه‌ای فرصت‌ها را از آنکارا سلب کرده و تهدیدهایی فراروی ترکیه قرار می‌دهد. موانع زیر بخشی از

سیاست‌ها و روندهای درازمدت این کشور است که ترک‌ها از یک‌سو، خواهان دوری از آنها نیستند و از سوی دیگر، امکان کنار گذاشتن یا حتی پنهان‌سازی این موارد را دست‌کم در کوتاه مدت، ندارند.

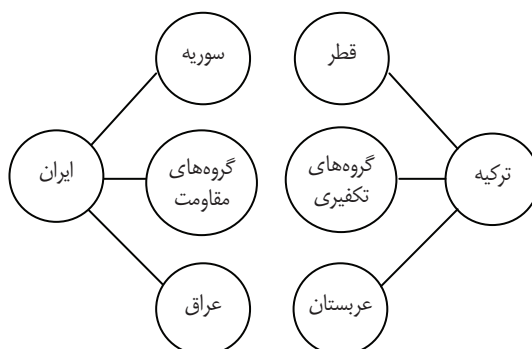
برخی از این موانع عبارت است از:

۱. نقض حقوق بشر به‌ویژه اقلیت‌های کرد، ارمنی و علوی؛
۲. مشکلات قومیتی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی ترکیه با همسایگان، از جمله عراق و سوریه؛
۳. مناسبات سیاسی، نظامی، اقتصادی با اسرائیل؛
۴. شکاف فرهنگی و تاریخی (تقابل سنت و مدرنیسم) در ترکیه.

زمینه‌ها و علل اختلاف و رقابت ایران و ترکیه در عراق و سوریه

عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب‌پذیر، عدم ثبات سیاسی و روابط چالشی و پرتنش که در گذشته با همسایگان خود داشته‌است، به حوزه‌ای استراتژیک برای کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران و ترکیه تبدیل شده‌است. علاوه بر این، وجود و حضور مؤثر کردها در منطقه شمال عراق به اهمیت این کشور نزد ترکیه افزوده‌است. از سوی دیگر، کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه حوزه فرهنگی و تمدنی، پارس، عرب و ترک قرار دارد (نجار و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰) که این امر، اهمیت استراتژیک منازعه را برای سه کشور همسایه مشخص می‌کند.

ایران و ترکیه، موقعیت خاص استراتژیک در منطقه دارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن ایران و ترکیه، پل ارتباطی شرق به غرب هستند. ایران به عنوان کشوری با تمدن و فرهنگ باستانی، موقعیت جغرافیایی-اقتصادی راهبردی و نیروی انسانی عظیم است. ترکیه هم کشور مهمی در اوراسیا، با اقتصادی رو به رشد و در حال ادغام در اقتصاد جهانی و در روند همکاری با اتحادیه اروپا است. این دو کشور، اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیادی دارند. با این حال، در سیاست منطقه‌ای، ترکیه و ایران، در دو قطب مخالف عمل می‌کنند. به همین دلیل قطبی‌شدگی منطقه‌ای را با محوریت ایران و ترکیه، در عراق و سوریه شاهد هستیم. در حالی که ترکیه به همراه عربستان و قطر، به دنبال حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی و تغییر دولت‌ها در عراق و سوریه است؛ اما ایران پشتیبان این دولت‌ها و گروه‌های مقاومت است (رک. نمودار شماره ۳).



نمودار ۳: الگوی تقابلی سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه در منطقه

نتیجه‌گیری

تفاوت دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در برابر عراق و سوریه، به تفاوت رویکردهای نظری، منابع، اصول و اهداف سیاست خارجی ایران و ترکیه مربوط می‌شود. البته دو کشور از نظر گفتمانی، ابزارها و امکانات و روش دیپلماسی عمومی نیز متفاوت هستند. ایران از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی مایل است که مسائل و مشکلات منطقه از راه مشارکت و همکاری بازیگران منطقه‌ای شود. در واقع، ایران طرفدار تنظیم معادله‌های منطقه به دست کشورهای منطقه است. در مقابل، ترکیه حامی پیوند با کشورهای منطقه با ترتیب‌های فرمانطقه‌ای و نزدیکی روابط با کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا و در برخی از دوره‌ها و موارد، اسرائیل است. ترکیه تمایل دارد تا از راه بسط روابط خود با کشورهای غربی، زمینه حضور آنها را در معادله‌ها و محاسبه‌های منطقه فراهم کند.

راهبرد سیاسی متعارض ایران و ترکیه که تا حد زیادی در ساختارهای سیاسی-ایدئولوژیک آنها ریشه دارد، در چگونگی نگاه آنها به جهان غرب نمود پیدا می‌کند. ایران در روابط خود با جهان غرب، تا حد زیادی تابع شعار ضدغربی بوده و علاوه بر داشتن تعارض‌های عمیق با آمریکا و برخی از متحدان استراتژیک آن، مثل اسرائیل، شاهد تنش‌های مستمر با دولت‌های اروپای غربی بوده است. برعکس دولت ترکیه در روابط خود با جهان غرب، تا حد زیادی تابع رویکرد غرب‌گرایانه کمالیستی بوده و علاوه بر داشتن روابط نزدیک با آمریکا و حتی همراهان استراتژیک آن، مثل اسرائیل، با جدیت تمام در پی عضویت در اتحادیه اروپا و شناخته شدن به‌عنوان کشوری اروپایی بوده است.

دیپلماسی عمومی ایران در عراق و سوریه، حفظ وضع موجود و حمایت از دولت‌های مستقر است. در مقابل دیپلماسی عمومی ترکیه که تغییر وضع موجود است. بر این اساس، ایران به دو کشور به‌عنوان همسایگان هم‌سو و هم‌سود نگاه می‌کند و در مقابل، نگاه ترکیه به

همسایگان جنوبی خود تقابلی و تعارضی است. ایران خود را هم‌پیمان و تا حدودی میانجی در عراق و سوریه می‌داند؛ اما ترکیه به دنبال هژمونی و رهبری منطقه‌ای است. به همین دلیل، ترک‌ها از دیپلماسی عمومی برهم‌زننده برای تجدید ساختار و رفتار و دستیابی به منافع بیشتر در عراق و سوریه استفاده می‌کنند؛ در برابر آنها، ایران از دیپلماسی عمومی برای تحکیم شرایط داخلی و حفظ و مناسبات در زمینه‌های گوناگون بهره می‌برد. چالش مهم دیپلماسی عمومی ترکیه در عراق و سوریه، برگزیدن رویکردهای متناقض توسط دولتمردان ترکیه در برابر تحولات اخیر عراق و سوریه است که سبب بروز چالش‌های متعددی در عرصه داخلی و خارجی این کشور شده است. در مقابل، استفاده نکردن از همه مؤلفه‌های قدرت نرم و ابزارها و امکانات، مانع مهم کارآیی دیپلماسی عمومی ایران است. ترک‌ها عمدتاً از ابزارهای قدرت نرم برای اهداف سخت استفاده می‌کنند و ایران بیشتر از ابزارهای سخت برای اهداف نرم استفاده می‌کند؛ در حالی که حتی امنیت هم در جهان معاصر، ایجابی شده است. همچنان ترکیه رویکرد سلبی را در برابر عراق و سوریه دنبال می‌کند.

دیپلماسی عمومی ترکیه در برابر سوریه به دلیل اختلاف‌ها و تنش‌های شدید میان دو کشور در حال حاضر در وضعیت ضعیف و شکننده قرار دارد. زیرا وقوع جنگ به معنای ناکامی دیپلماسی و به‌ویژه دیپلماسی عمومی است. حتی اگر دیپلماسی را شکست‌خورده فرض نکنیم، دست‌کم در شرایط کنونی در روابط ترکیه با سوریه، دیپلماسی عمومی یا در کنترل سیاستمداران و نظامیان است و یا آن‌قدر کم‌رنگ و ناکارآمد است که نمی‌تواند کارکرد خود را ایفا کند. اکنون ترک‌ها از برخی از متغیرها و ابزارهای دیپلماسی عمومی در نبرد غیررسمی و اعلام نشده خود با سوریه بهره می‌گیرند. با این حال، برخی از احزاب سیاسی، گروه‌ها و نهادهای مدنی و رسانه‌های غیردولتی همچنان دیپلماسی عمومی را در مخالفت با تنش در روابط ترکیه با سوریه و با هدف درازمدت تداوم روابط با همسایه جنگ‌زده خود به کار می‌برند.

منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین و نادر، جعفری هفت‌خوانی (۱۳۸۶)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی: پیوندها و اهداف»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ش ۵، ص ۱۷۹-۲۰۵.
۲. التونیسیک، میخائیل (۱۳۹۲)، «قدرت نرم و منطقه‌گرایی: مطالعه موردی سیاست‌های ترکیه در خاورمیانه»، در مجموعه مقالات مطالعات موردی قدرت نرم (تألیف جکوئیزهایمنز و دیگران)، ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۳. پالیزدار، فرهاد (۱۳۹۱)، دیپلماسی فرهنگی ترکیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. جعفری، سعید و محمد، آبری (۱۳۹۱)، «ظرفیت‌های ترکیه در الگو شدن برای حکومت‌های جدید عربی: نگاهی سازه‌نگارانه» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، ش ۲، تابستان، ص ۱۰۱-۱۲۴.
۵. داداندیش، پروین و افسانه، احدی (۱۳۹۰)، «جایگاه، دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۱.
۶. درخشه، جلال و مصطفی، غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در جهان اسلام، فرصت‌ها، اقدامات؛ اولویت‌ها، دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال دوازدهم، ش ۱۵.
۷. دستمالی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «سریال‌های تلویزیونی ترکیه، سودای قدرت نرم و تناقض فرهنگی»، بازیابی از سایت: <http://www.tisri.org/default-1573.aspx> (شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۳).
۸. دهقانی، رضا (۱۳۹۱)، «الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، ش ۴، زمستان، ص ۱۵-۱۹.
۹. ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۲)، «اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی»، در مجموعه مقالات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (به اهتمام ناصر جمال‌زاده)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ص ۱۷۷-۲۱۴.
۱۰. سجادپور، سید محمدکاظم و موسی‌الرضا، وحیدی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۴، زمستان، ص ۷۷-۹۵.
۱۱. رفیع، حسین و ملیحه، نیکروش (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ص ۹۹-۱۳۲.

۱۲. سیمبر، رضا و ارسلان، قربانی (۱۳۸۸)، «دیپلماسی نوین در روابط خارجی: رویکردها و ابزارهای متغیر»، ص ۳۶.
۱۳. عطایی، فرهاد؛ روح‌الله قادری کنگاوری و نبی‌الله، ابراهیمی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: ایران و آمریکا در عراق جدید»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۳، پاییز، ص ۱۸۹-۲۰۳.
۱۴. قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۶)، ایران و ژئوپلیتیک قدرت در جهان عرب، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۱۵. _____ (۱۳۸۷)، «سیاست ترکیه در قبال عراق پس از صدام»، در مجموعه مقالات عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهش شماره ۱۲.
۱۶. کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۲)، فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۷. گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. نای، جوزف (۱۳۸۲)، «قدرت نرم»، ترجمه محمد حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، ش ۲۹، ص ۳۶۳-۳۸۰.
۱۹. نجار، سعید و محمدرضا، عبدالله‌پور (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر منازعات ایران و ترکیه در میدان‌های منطقه‌ای از منظر ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست و اندیشه، سال دوم، ش ۵، بهار، ص ۹۱-۱۱۰.
۲۰. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)، «دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی»، در مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای، به کوشش محمد سلطانی‌فر و شهرود امیرانتخابی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۱. نیک‌آئین، احسان‌اله (۱۳۸۸)، «دیپلماسی عمومی، رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، ش ۲ (پیاپی ۹۰)، ص ۳۶۲-۳۹۴.
۲۲. هادیان، ناصر و افسانه، احدی (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، پاییز، ش ۳.
۲۳. هادیان، ناصر و روح‌الامین، سعیدی (۱۳۹۲)، «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، ش ۶۸، ص ۳۳-۶۱.
۲۴. هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

25. Alshayji, Adbullah K. (2002), "Mutual Realities, Perceptions, and Impediments between the GCC States and Iran", in Gary G. Sick and Lawrence G. Potter, *Security in the Persian Gulf*, New York: Palgrave- Macmillan.
26. Anas, Omair (2010), Turkey's Soft Power Challenges in the Arab World, presentation at First Arab Turkey Congress of Social Sciences at Ankara on 11 December, in: http://www.aid.sakarya.edu.tr/uploads/Pdf_2011_6_9.pdf
27. Cull, Nicholas J. (2009), "Public Diplomacy before Gullion: The Evolution of Phrase" in Nancy Snow and Philip M. Taylor (Eds.), *Routledge Handbook of Public Diplomacy*, London and New York: Routledge.
28. Henrikson, Alan K. (2006), *What Can Public Diplomacy Achieve?* http://www.clingendael.nl/publications/2006/20060900_cdsp_paper_dip_c.pdf (accessed February 3, 2009).
29. Kalin, İbrahim (2012), Soft Power and Public Diplomacy in Turkey Perceptions, Autumn 2011, Volume XVI, Number 3, pp. 5-23. in: http://sam.gov.tr/wpcontent/uploads/2012/01/ibrahim_kalin.pdf
30. Karawan, Ibrahim A.(2002), "The Erosion of Consensus: Perceptions of GCC States of a Changing Region", in Gary Sick and Lawrence Potter, *Security in the Persian Gulf*, New York: Palgrave- Macmillan.
31. Melissen, Jan. (2007), *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation*, Hampshire: Palgrave Macmillan.
32. Nasr, Vali (2006), *the Shia Revival: how Conflicts within Islam Will Shape the Future*, Now York: Norton and Company.
33. Owen, State, Roger (2004), *Power and Politics in the Making of the Modern Middle East*, New York: Routledge.
34. Snow, N. (2006), "U.S. Public Diplomacy: Its History, Problems, and Promise," in: *Readings in Propaganda and Persuasion, New and Classic Essays*, ed. Garth S. Jowett and Victoria O'Donnell, Thousand Oaks, CA: Sage.
35. Wolf, Charles Brian Rosen (2004), "Public Diplomacy: How to Think about and Improve It", *the RAND*. www.rand.org/pubs/occasional-papers/2004/RAND-OP134.pdf (accessed August 15, 2007).